

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

و کارم را به خدا می سپارم، که خدا،

به [حال] بندگان [خود] بیناست.

« سوره ی غافر: بخشی از آیه ی ۴۴ »

نفلستانِ ادب

دستور زبان فارسی / آرایه‌های ادبی

و قالب‌های شعری

برای استفاده‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه

دوره‌ی اوّل / دوره‌ی دوّم

تدوین : علی آزاد قوشچی

دبیر ادبیّات فارسی

۳۷	صفت‌های بیانی	۸	سوره‌ی والعصر
۳۷	صفت بیانی ساده	۹	درآمدی بر این مجموعه
۳۷	صفت فاعلی	۱۰	یکی دو کلمه
۴۰	صفت مفعولی	۱۳	آشنایی با چند اصطلاح
۴۱	صفت نسبی	۱۶	مهارت‌های لازم برای یادگیری ادبیات
۴۲	صفت لیاقت	۲۴	من نه بید مجنونم
۴۳	ضمیر	۲۵	دستور زبان فارسی
۴۳	انواع ضمیر	۲۵	نوع کلمات
۴۳	ضمیر شخصی	۲۵	نقش کلمات
۴۴	ضمیر مشترک	۲۸	اسم
۴۴	ضمیر اشاره	۲۸	ویژگی‌های اسم
۴۴	ضمیر شمارشی	۲۹	اسم از جهت شمار
۴۵	ضمیر پرسشی	۳۱	اسم معرفه / نکره
۴۵	ضمیر تعجبی	۳۱	اسم عام / خاص
۴۵	ضمیر مبهم	۳۲	اسم از نظر ساخت
۴۷	فعل	۳۲	اسم ساده
۴۷	ویژگی‌های فعل	۳۲	اسم مرکب
۴۷	فعل از نظر شخص	۳۳	اسم مشتق
۴۸	فعل از نظر زمان	۳۳	اسم مشتق / مرکب
۴۸	ماضی ساده	۳۳	انواع «ک» در زبان فارسی
۴۸	ماضی استمراری	۳۴	صفت
۴۹	ماضی نقلی	۳۴	اقسام صفت
۴۹	ماضی نقلی مستمر	۳۴	صفت اشاره‌ای
۵۰	ماضی بعید	۳۴	صفت پرسشی
۵۰	ماضی ابعد	۳۵	صفت تعجبی
۵۱	ماضی التزامی	۳۵	صفت شمارشی
۵۱	ماضی مستمر	۳۶	صفت مبهم

۶۵	حرف	۵۲	فعل مضارع
۶۵	حرف‌های ربط	۵۲	انواع فعل مضارع
۶۶	حرف‌های اضافه	۵۲	مضارع ساده
۶۶	« را » نشانه‌ی مفعول	۵۳	مضارع اخباری
۶۷	نقش نمای اضافه	۵۳	مضارع التزامی
۶۷	نشانه‌های ندا	۵۳	مضارع مستمر
۶۸	صوت	۵۴	فعل مستقبل
۶۹	جمله	۵۴	فعل امر
۶۹	انواع جمله	۵۴	فعل گذر/ ناگذر
۶۹	جمله‌ی خبری، امری	۵۵	فعل‌های گذرا
۶۹	جمله‌ی پرسشی، عاطفی	۵۵	فعل‌های دو وجهی
۷۰	جمله از نظر ساخت	۵۶	معلوم و مجهول
۷۰	جمله‌ی ساده، مرکب	۵۷	وجه فعل
۷۱	جمله‌ی معترضه	۵۷	فعل‌های اسنادی
۷۱	جمله‌ی زبانی، ادبی	۵۸	ساختمان فعل
۷۱	گروه کلمات	۵۸	فعل ساده
۷۲	نقش کلمات در جمله	۵۸	فعل پیشوندی
۷۲	نقش نهاد	۵۹	فعل مرکب
۷۳	نقش مسند	۵۹	فعل پیشوندی مرکب
۷۴	نقش مفعول	۵۹	عبارت‌های فعلی
۷۴	نقش متمم	۶۰	فعل‌های کمکی
۷۵	نقش نقش منادا	۶۱	حذف فعل در جمله
۷۵	نقش مضاف الیه / صفت	۶۱	مطابقت نهاد با فعل
۷۵	نقش قید	۶۳	قید
۷۵	نقش‌های تبعی	۶۳	انواع قید
۷۵	نقش بدل	۶۳	قید مختص
۷۶	تکرار / معطوف	۶۳	قید مشترک
۷۶	شاخص / ممیز	۶۴	متمم‌های قیدی
۷۷	پسوندها	۶۴	قید از نظر معنا و مفهوم

آرایه‌های ادبی

آشنایی با چند اصطلاح

تشبیه

تشبیه گسترده

تشبیه بلیغ

تشبیه مفرد / مرکب

استعاره‌ی مصرّحه

استعاره‌ی مکنیه / تشخیص

حقیقت / مجاز

کنایه

واج آرای / واژه آرای

سجع

سجع متوازی

سجع متوازن

سجع مطرّف

موازنه / ترصیع

جناس

جناس همسان

جناس ناهمسان (ناقص)

جناس ناقص حرکتی

جناس ناقص اختلافی

جناس ناقص افزایشی

اشتقاق

تصدیر

مراعات نظیر

تلمیح

تضمین

تضاد

متناقض نما

حس آمیزی

ایهام

ایهام تناسب

لف و نشر

اغراق

اسلوب معادله

حُسن تعلیل

قالب‌های شعری

تک بیت

دوبیتی

رباعی

چهارپاره

غزل

قصیده

مثنوی

قطعه

ترجیع بند

ترکیب بند

مستزاد

مسمط

نیمایی

سپید

آزاد ۱

آزاد ۲

آزاد ۳

آزاد ۴

تحلیل و بررسی متن

فرازهایی از دعای کمیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا
بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

سوگند به روزگار.

بی گمان انسان در زیانکاری است.

مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و همدیگر را

به حق سفارش کرده‌اند و همدیگر را به شکیبایی سفارش کرده‌اند.

درآمدی بر این مجموعه

مخاطب ارجمند سلام علیکم.

هنر، زلال‌ترین روح انسانی است که از ژرفای وجود هنرمند سرچشمه می‌گیرد و تا انتهای سرزمین دل‌ها جاری می‌شود.

انسان همواره سعی کرده است با به کار بردن کلمات، با یکدیگر ارتباط زبانی ایجاد کند و مفاهیم ذهنی خود را به دیگران منتقل نماید.

برای کلمات و جملاتی که به کار می‌برد، قوانینی ایجاد کرده. این قوانین و قراردادهای سبب شده، با گذشت زمان، زبان از بسیاری دگرگونی‌ها مصون بماند و کسانی که به آن زبان حرف می‌زنند یا می‌نویسند، زبان را علمی و قانونمند به کار برند.

کتابی را که با عنوان «نخلستان ادب» پیش رو دارید، برای استفاده‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه تدوین کرده‌ام. - دوره‌ی اول، دوره‌ی دوم -

هریک از دانش‌آموزان، فراخور سن و پایه‌ی تحصیلی‌شان، در مدرسه با دستور زبان فارسی و آرایه‌های ادبی و قالب‌های شعری آشنا می‌شوند. این کتاب می‌تواند در کنار کتاب‌های درسی، به عنوان کتاب کمک آموزشی مورد استفاده واقع شود و در یادگیری مفاهیم مؤثر باشد.

علوم و فنونی را که این جانب در این جا بیان کرده‌ام، می‌توان به صورت مفصل‌تر نیز بیان کرد و به هر کدام از موضوعات، مثال‌های متعدد آورد و با انواع جمله‌ها موضوع را توضیح داد. ولی من این شیوه را زیاد نمی‌پسندم. بدین علت، سعی کرده‌ام در این کتاب، بیشتر به نکات اصلی و کلیدی - آن هم به اختصار - پردازم و از پرداختن به مطالبی که باعث اطاله‌ی کلام می‌شود، پرهیزم.

امیدوارم که مطالب این کتاب، در پیشبرد اهداف آموزشی مفید واقع شود.

یکی دو کلمه:

زبان چیست؟

از میان تعریف‌هایی که زبان‌شناسان از زبان ارائه داده‌اند ساده‌ترین تعریف این است:
« زبان وسیله‌ی ارتباط میان انسان‌هاست. »

دستور زبان یعنی چه؟

دستور زبان یعنی قواعد و اصول اساسی زبان.

هر زبانی قوانین و قواعدی دارد که اگر استفاده‌کنندگان از زبان، آن را یاد نگیرند، یا به کار نبرند، ممکن است آن زبان با مشکل اساسی مواجه شود و چه بسا ممکن است راه انحطاط پیش گیرد.

زبان رسمی کشور ما فارسی است.

اخبار سراسری به این زبان پخش می‌شود، کتاب‌های درسی به این زبان نوشته می‌شود، همه‌ی تحصیل‌کردگان حتی اگر زبان مادری‌شان فارسی نباشد، می‌توانند به فارسی صحبت کنند و بنویسند.

زبان فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ است و هم، شاعران و نویسندگان بسیاری آثار ادبی خود را به فارسی سروده و نوشته‌اند.

صائب تبریزی، کلیم کاشانی، بیدل دهلوی، سید حسن حسینی، احمد عزیزی و خیلی از شاعران دیگر، اشعار زیبایی به این زبان سروده‌اند.

احساس و اندیشه‌ی خود را در قالب کلمات و جملات زیبا ریخته و برای آیندگان به یادگار نهاده‌اند.

نویسندگان زیادی، آثار فلسفی، اجتماعی و تاریخی خود را به این زبان نوشته‌اند.

ما نه تنها می‌توانیم با یکدیگر ارتباط زبانی برقرار کنیم، بلکه می‌توانیم احساس و عواطف خود را بنویسیم و حتی با آیندگان ارتباط فکری برقرار کنیم.

یادگیری زبان و آشنایی با زیبایی‌های ادبی و کلامی، لازم و ضروری است.

اگر بگوییم: «من خوب درس می خوانم.» این جمله مطابق با قواعد دستور زبان فارسی است و ایرادی ندارد.

اگر بگوییم: «من خوب درس می خوانیم.» این جمله از نظر قواعد دستور زبان فارسی غلط است، چون برای نهاد مفرد فعل جمع آورده ایم.

این که نهاد کیست یا چیست، این که جایگاه مفعول، متمم، مسند و... کجاست، این که اسم، صفت، فعل و... چه هستند و چه ویژگی هایی دارند، موضوع بحث دستور زبان فارسی است.

آرایه ی ادبی یعنی چه؟

آرایه به معنی آراستن و زینت دادن است و آرایه های ادبی یعنی زینت ها و زیبایی هایی که در متن به کار می بریم. آرایه های ادبی کلام را اثرگذار می کنند.

آشنایی با آرایه های ادبی سبب می شود که ما بتوانیم در گفتار و نوشتار خود از این آرایه ها استفاده کنیم و سخن خود را از زبانی به ادبی ارتقا دهیم.

آشنایی با آرایه های ادبی ما را به خواندن آثار ادیبان علاقه مند می کند. ما از خواندن آن آثار لذت ادبی می بریم و با افکار بزرگان ادب آشنا می شویم.

اگر بگوییم: «زمستان تمام شد و درختان سبز شدند.» جمله ای زبانی به کار برده ایم. ولی اگر بگوییم: «بهار با لبخند از راه رسید و به درختان، لباس سبز ارمغان آورد.» جمله ای ادبی به کار برده ایم.

همان گونه که می بینید، جمله ی ادبی، زیبا، تخیلی و اثرگذار است و مطلب را برای شنونده و خواننده جذاب و دل نشین می نماید.

خورشید در آسمان است. (جمله ی زبانی است)

خورشید از بام آسمان ما را نگاه می کند. (جمله ی ادبی است)

بستگی به مخاطب، موضوع، زمان و مکان دارد که ما مفهوم ذهنی خود را با جملات زبانی بیان کنیم یا با جملات ادبی.

به این نوشته دقت کنید:

قطره‌ها آوازخوان پیش می‌روند تا به مادر خود، دریا پیوندند.

این، یک نوشته‌ی ادبی است. چون نویسنده از آرایه‌ی جان بخشی استفاده کرده و قطره‌ها را آوازخوان نامیده و دریا را مادر و قطره‌ها را فرزند معرفی کرده است.

حال می‌توانیم همین نوشته را به صورت موزون هم بنویسیم.

هیچ می‌دانی چرا از رود برخیزد سرود؟

قطره‌ها آواز می‌خوانند از شوق وصال

اگر بخواهیم نوشته را ادبی بکنیم، باید از عاطفه (احساس) و تخیل استفاده کنیم و در نوشته‌مان آرایه‌های مناسب به کار ببریم و اگر این کار به صورت موزون و همراه با قافیه و ردیف هم باشد چه بهتر.

- بیش از چهل آرایه وجود دارد. همه‌ی آن آرایه‌ها را در این کتاب آورده‌ام و به اختصار همه را معرفی کرده‌ام و به هر کدام یکی دو مثال هم ذکر کرده‌ام. حتی آرایه‌هایی را که در کتاب‌های درسی نیستند در این کتاب آورده‌ام. مثل تشبیه مرکب و... که اگر دانش‌آموزی بخواهد بر دانش ادبی‌اش افزوده شود، آن آرایه‌ها را هم مطالعه نماید.

- ممکن است در جمله‌ای هیچ آرایه‌ای نباشد (جمله‌ی زبانی باشد) و ممکن است در جمله‌ای یک یا چندین آرایه وجود داشته باشد.

- ما با خواندن آرایه‌های ادبی، آن آرایه‌ها را یاد می‌گیریم ولی شرط اصلی آن است که همواره تمرین و تکرار کنیم.

اگر متنی ادبی می‌خوانیم، سعی کنیم آرایه‌هایش را تشخیص دهیم و اگر متنی ادبی می‌نویسیم، سعی کنیم از آرایه‌ها استفاده کنیم.

از ذرات بسیار کوچک نیز، می‌توان درس‌های بسیار بزرگ آموخت. در مکتب زندگی، حتی یک سنگ‌ریزه می‌تواند معلّم خوبی باشد. فقط باید دانش‌آموز خوبی بود.

آشنایی با چند اصطلاح:

- واج: یعنی صدا.

- حرف: یعنی شکل نوشتاری صدا.

- واژه: یعنی کلمه.

انسان با تارهای صوتی خود می‌تواند صداهای گوناگون ایجاد کند و می‌تواند این صداهای متفاوت را پشت سر هم تلفظ کند و از مجموع چندین صدا، یک مفهوم ذهنی را به دیگری تداعی کند و با او ارتباط فکری و زبانی ایجاد کند.

هر یک از این صداها را واج می‌نامیم. حال اگر به هر واج یک شکل قراردادی در نظر بگیریم، به آن شکل قراردادی حرف می‌گوییم. پس حرف، شکل نوشتاری واج است. و اگر چندین حرف را به دنبال هم ردیف کنیم و مفهومی ایجاد کنیم، به آن، واژه می‌گوییم. سپس واژه‌ها را به دنبال هم می‌آوریم و گروه اسمی یا جمله درست می‌کنیم و مقصود خود را به طور کامل بیان می‌کنیم.

مثلاً ما می‌توانیم واج‌های « م - ن » را در کنار هم قرار دهیم و واژه‌ی « مَن » را ایجاد کنیم. همچنین، واج‌های « ک - ت ا ب » را در پشت سر هم قرار دهیم و واژه‌ی « کِتاب » را به وجود آوریم. سپس واج‌های « د ا ر م » را به دنبال هم بیاوریم و واژه‌ی « دارم » را به وجود آوریم. بعد، با واژه‌های به وجود آمده، جمله‌ی « مَن کِتاب دارم » را بسازیم. ولی آن گونه نیست که هر کس هر واجی را هر گونه که دلش خواست، به دنبال هم بیاورد و بگوید واژه می‌سازم. یا هر واژه‌ای را در هر کجای جمله که دلش خواست قرار دهد و بگوید جمله می‌سازم.

واج‌ها طبق اصول و قواعدی پشت سر هم می‌آیند و واژه‌ها هم طبق اصول و قواعدی پشت سر هم می‌آیند. به عبارت دیگر، واژه‌ها و جملات باید دستورمند باشند و از قواعدی پیروی نمایند که اگر این گونه نباشد، زبان دچار مشکل می‌شود و ناهنجاری‌هایی به وجود می‌آید که شاید نتوان جبران کرد.

تعداد واج‌های هر واژه متفاوت است. مثلاً واژه‌ی «سو» دو واج دارد. واژه‌ی «سر» سه واج. واژه‌ی «سرد» چهار واج. واژه‌ی «سرما» پنج واج. بعضی از واژه‌ها کوتاه‌اند. مثل: واژه‌های سو، سر، سرد. و یک هجا (بخش) هستند. بعضی از واژه‌ها کمی طولانی‌اند. مثل: سرما، عاقل، کاسه. و دو هجا (بخش) هستند و بعضی دیگر طولانی‌ترند. مثل: پروانه، عاقبت و... که سه هجا (بخش) هستند و... هجا یا بخش چیست؟

هجا یا بخش، مقدار آوایی است که دهان با یک بار باز و بسته شدن آن را ادا می‌کند. مثلاً گفتم که «کتاب» دو هجا (بخش) است. هجاهای آن عبارتند از: ک + تاب یا واژه‌ی پروانه که سه هجاست، هجاهای آن عبارتند از: پَر + وا + نه البته واژه‌های کوتاه مانند «سر» یک هجا هستند. یعنی یک واژه‌ی تک هجایی. - یکی دو نکته در باره‌ی واج‌ها:

کوچک‌ترین واحد آوایی زبان واج است و بزرگ‌ترین واحد آوایی، جمله. واج‌ها (صداها) دو دسته‌اند. ۱- مصوّت‌ها ۲- صامت‌ها.

زبان فارسی ۲۹ واج (صدا) دارد. واج‌هایی مانند «س» که چندین شکل نوشتاری دارند، یک واج به شمار می‌آیند. «س، ث، ص» یک واج به حساب می‌آیند نه سه واج. پس، منظورمان حروف الفبا نیست که بیش از ۲۹ است. منظورمان صداست.

یادآوری می‌کنم که منظور از واج صداست و منظور از حرف، شکل نوشتاری صدا. از ۲۹ واج زبان فارسی ۶ واج را مصوّت می‌گوییم و بقیه‌ی واج‌ها را صامت. این ۶ واج که مصوّت هستند، عبارتند از: ا - ـِ - ـُ - ی و ی

سه مصوّت - ـِ - ـُ را مصوّت کوتاه می‌گوییم و سه مصوّت ا و ی را مصوّت بلند. یعنی مصوّت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مصوّت‌های کوتاه و مصوّت‌های بلند.

نکته: «ا» همیشه مصوّت بلند است. ولی «و» سه نوع صدا می‌دهد. ۱- صدای «و» در کلماتی مانند: وصل، واحد، وظیفه و غیره. «و» در این کلمات صامت است نه مصوّت.

۲- « و » در برخی کلمات صدای و می‌دهد. در کلماتی مانند: خورشید = خُرشید. خود = خُد. تو = تُ. چون = چُن. خوردند = خُردند

در این صورت، « و » مصوَّت کوتاه به حساب می‌آید نه مصوَّت بلند.

۳- « و » در صورتی مصوَّت بلند است که قابل امتداد باشد. مانند: رود، سرود و... کافی است سه کلمه‌ی « وکیل، خورشید، سود را تلفَّظ کنید تا به تفاوت تلفَّظ « و » پی ببرید.

« ی » نیز دو صدا دارد. یکی مصوَّت بلند است، دیگری صامت.

دو کلمه‌ی سیب و یاد را تلفَّظ کنید. « ی » در کلمه‌ی سیب مصوَّت بلند است چون قابل امتداد است ولی « ی » در کلمه‌ی یاد صامت است.

حاصل سخن این که « و - ی » را به خاطر شکل و نوشتار، نباید همواره مصوَّت بلند حساب کنیم، بلکه باید از روی تلفَّظ پی ببریم که در کجا صامت‌اند و در کجا مصوَّت. مصوَّت‌های بلند تقریباً دو برابر مصوَّت‌های کوتاه تلفَّظ می‌شوند.

به جز این ۶ مصوَّت که توضیح دادم، همه‌ی واج‌ها صامت‌اند. مانند: « ش، ر، م و... واج‌ها با یک قاعده و قانون پشت سر هم می‌آیند. مثلاً هیچ کلمه‌ای با مصوَّت شروع نمی‌شود. در همه‌ی واژه‌های سَر، دَل، پُر، باد، بود، بید، صامت + مصوَّت + صامت است. در تمام کلمات چند هجایی نیز، در هر هجا اوَّل صامت است، بعد مصوَّت.

به واژه‌ی برادر و سرافرازی دقَّت کنید:

بَ (صامت + مصوَّت) را (صامت + مصوَّت) دَر (صامت + مصوَّت + صامت)

سَ (صامت + مصوَّت) رَ ف (صامت + مصوَّت) را (صامت + مصوَّت)

زی (صامت + مصوَّت)

مصوَّت‌ها همواره دوّمین واج هر هجا هستند. خواه مصوَّت کوتاه باشد، خواه مصوَّت بلند.

* واج‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند واژه تشکیل می‌شود. واژه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند

جمله تشکیل می‌شود. (در باره‌ی گروه کلمات نیز در بخش‌های بعد صحبت خواهم کرد.

مهارت‌های لازم برای یادگیری ادبیات:

برای این که ادبیات را دقیق و اصولی یاد بگیریم و در آزمون‌ها نمرات عالی بگیریم، باید ده مهارت لازم را داشته باشیم. آن ده مهارت عبارتند از:

(۱) درست و روان خواندن متن. (نثر، نظم)

(۲) درست نوشتن شکل کلمات. (املا)

(۳) به خاطر سپردن معنی لغت‌ها.

(۴) به نثر ساده برگرداندن ابیات و عبارات.

(۵) درک مطلب. (دانستن مفهوم ابیات و عبارات)

(۶) حفظ شعر. (مخصوصاً شعرهایی که حفظ کردن‌شان را کتاب خواسته)

(۷) تاریخ ادبیات. (یادگیری زندگی‌نامه و آثار شاعران و نویسندگان)

(۸) دستور زبان فارسی. (یادگیری جمله، نهاد، مفعول، متمم و غیره)

(۹) آرایه‌های ادبی. (تشبیه، استعاره، کنایه و غیره)

(۱۰) عروض و قافیه. (یادگیری وزن شعر، قافیه و ردیف)

دانش‌آموزان باید این ده مهارت را کسب کنند. فقط مورد ۱۰ یعنی عروض و قافیه، درس اختصاصی است و دانش‌آموزان رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی آن را در دوره‌ی دوم متوسطه می‌خوانند.

* درباره‌ی به دست آوردن هریک از این مهارت‌ها به اختصار توضیح می‌دهم.

درست و روان خواندن متن: (نثر، نظم)

قدم اول برای یادگیری ادبیات، درست و روان خواندن متن است. اگر متن را درست و روان نخوانیم، نه تنها وزن شعر به هم خواهد خورد، در درک معنا و مفهوم هم دچار مشکل خواهیم شد. با تمرین و تکرار مداوم، می‌توانیم متن‌ها را درست و روان بخوانیم و بی‌علاوه بر تمرین و تکرار، باید با قواعدی هم آشنا شویم و آن قواعد را به کار بندیم.

از قواعدی که باید به هنگام خواندن متن رعایت کنیم، توجه به علایم نگارشی است، مثل ویرگول، علامت پرسش، نقش‌نمای اضافی « - » و...

به جمله‌ی « امروز هوا ابری است » دقت کنید. اگر این جمله را با لحن پرسشی یا با لحن تعجبی بخوانیم، بار معنایی جمله متفاوت خواهد بود.

یا اگر مصراع « دل مرا سوی سرافرازی دلالت می‌کند » را کسی به صورت دلِ مرا... بخواند، نه تنها شعر را از وزن می‌اندازد، معنی جمله را هم عوض می‌کند. چون در این جا، « دل » نهاد است ولی اگر با کسره بخوانیم « دل » مفعول می‌شود و معنی هم تغییر می‌کند. اگر متن‌های حماسی را با لحن آرام و روایی بخوانیم، جالب نخواهد بود و اگر متن‌های روایی و داستانی را با لحن تند بخوانیم، جالب نخواهد بود.

بعضی از دانش‌آموزان، موقع خواندن شعر آن را از وزن عروضی می‌اندازند. این کار علاوه بر این که زیبایی و لطافت شعر را از میان می‌برد، ممکن است موجب آن شود که جمله‌بندی هم درست به نظر نیاید و در فهم شعر با مشکل مواجه شویم.

علت اصلی روان نخواندن شعر این است که در اوّل کلماتی مانند ابر، اسم، اُردک و غیره، همزه وجود دارد. در روان خواندن شعر، این همزه گاهی حذف می‌شود و گاهی حذف نمی‌شود و برخی از دانش‌آموزان این اصل مهم را رعایت نمی‌کنند.

مصراع « بهار آمد، چمن سرسبز و شاد است » را دو جور می‌توانیم بخوانیم.

(۱) بَ هار آ مَد چَ مَن سر سَب زُ شاد اَسْت

(۲) بَ ها را مَد چَ مَن سر سَب زُ شا دَسْت

با کمی دقت درمی‌یابیم که خواندن به روش دوم صحیح است و مصراع با این گونه خواندن، روان و موزون خوانده می‌شود. و علت آن است که در اوّل کلمات « آمد » و « اَسْت » همزه وجود دارد و در این مصراع، هر دو، موقع روان خواندن می‌افتند و اگر کسی این کلمات را در این مصراع با همزه بخواند، شعر را از وزن می‌اندازد.

نکته:

« آ » تشکیل شده است از: همزه + ـَ

« ا » تشکیل شده است از: همزه + ـِ

« أُ » تشکیل شده است از: همزه + ـُ

« آ » تشکیل شده است از: همزه + ا

« ای » تشکیل شده است از: همزه + یِ

« او » تشکیل شده است از: همزه + و

مثلاً « اَبَر » چهار واج (صدا) است نه سه واج. واج های آن، همزه + ـَ + ب + ر است.

کلماتی مثل احساس، اُمید، آرام، ایمان، او ... هم همین طور. یعنی در شمارش واج ها، باید همزه ی آغازین را نیز به حساب آوریم. یادآوری می کنم که این همزه همیشه حذف نمی شود، بلکه بستگی به وزن شعر دارد.

پاره ابری بود، دریا هم عجب آرام بود.

اَبَر و آرام هر دو همزه دارند و در این مصراع، هر دو با همزه خوانده می شوند.

پا رِ اَب رِی بو د در یا هم عَجَب آ را م بود

در این صحرا بسی خار آست و خارا

« این » و « آست » هر دو همزه دارند و در این مصراع، هر دو حذف می شوند.

دَ رین صَح را بَ سی خا رَس تُ خا را

یادم آید روزهای آفتابی، شادمان

آید و آفتابی هر دو همزه دارند و در این مصراع، همزه ی « آید » حذف می شود -

به ضرورت وزن - و همزه ی « آفتابی » حذف نمی شود- آن هم به ضرورت وزن -

یا دَ ما یَد رو ز ها یِ آ ف تا بی شاد مان

رعایت این قاعده بسیار مهم است و در روان خوانی شعر نقش بسزایی دارد. با تمرین

و تکرار و با آگاهی از این قاعده، مهارتِ درست و روان خواندن را کسب می کنیم.

درست نوشتن شکل کلمات (املا)

املا از مهارت‌های اصلی است چون در یادگیری درس‌های دیگر نیز به کار می‌آید. اغلب آزمون‌ها به صورت کتبی برگزار می‌شوند، اگر در نوشتار مهارت کافی نداشته باشیم، هم سرعت عمل ما پایین می‌آید، هم شاید کلماتی که می‌نویسیم، به گونه‌ای دیگر خوانده شوند و نمره‌ی ما پایین بیاید.

همواره املا را جدی بگیریم و آگاهانه به آموختن آن همت کنیم.

توصیه می‌کنم:

- (۱) خوب گوش دادن را در خود تقویت کنیم.
 - (۲) به اندازه‌ی کافی تمرین و تکرار کنیم.
 - (۳) سعی کنیم شکل کلمات را به خاطر بسپاریم.
 - (۴) در صورت لزوم، به ریشه و هم‌خانواده‌ی کلمات دقت کنیم.
 - (۵) در کلماتی تمرکز کنیم که در آن کلمات، حروفی به کار رفته که آن حروف، چند شکل نوشتاری دارند. مثل: «ث، س، ص» یا «ز، ذ، ض، ظ» و... مثلاً کسی واژه‌ی «می‌کوشیدم» را غلط نمی‌نویسد ولی ممکن است واژه‌ی «مقصود» را غلط بنویسد، چون «ص» چند شکل نوشتاری دارد.
 - (۶) فاصله‌ی میان کلمات و نیم فاصله‌ی میان حروف را رعایت کنیم.
 - (۷) خوش خط نوشتن نیز، در تقویت املا‌ی ما مؤثر است.
 - (۸) از یک نوع خط مشخص پیروی کنیم، مثلاً خط تحریری یا... آمیختن دو نوع خط با یکدیگر، نه تنها سبب بدخطی می‌شود، گاه کلمات ما را هم ناخوانا می‌کند و ممکن است خواننده‌ی متن را به اشتباه بیندازد.
- همان گونه که قبلاً هم گفتم، تمرین و تکرار و دقت، بسیار مهم و اساسی هستند. پس باید امیدوار و خستگی‌ناپذیر کوشید و سختی‌ها را از میان برداشت.